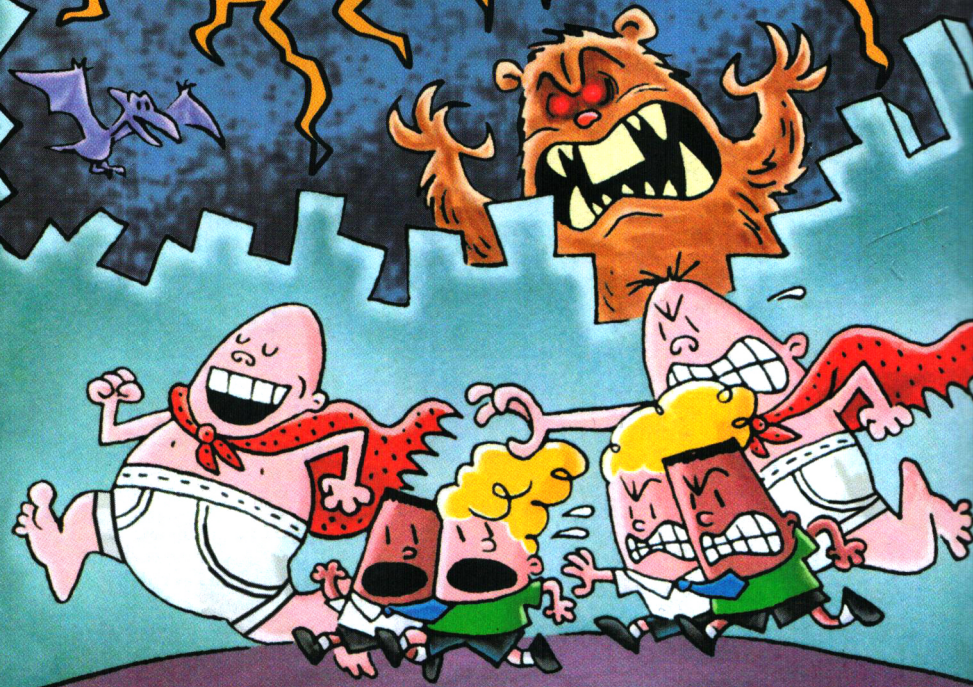


تمام رنگی

کاپیتان زیر شلواری

و درسه‌های عجیب و غریب
و ساکنین سرزمین توالت برفش



هشتمین اثر حماسی از دیو پیلکی

نویسنده: دیو پیلکی

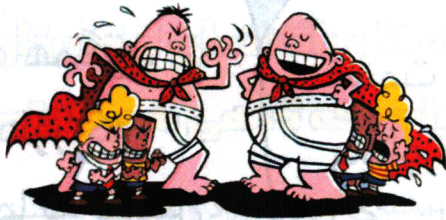
مترجم: سهیل محمدیان

فصل‌ها

پیشگفتار: داستان ناگفته‌ای از کاپیتان زیرشلواری که گاهی هم گفته

شده

۱. جورج و هارولد ۱۳
۲. آدم‌بزرگ‌های مسخره ۱۷
۳. مدرسه‌ی مصیبت‌زدگان ۲۳
۴. سرزمین توالت بنفش ۲۹
۵. غریبه‌ها در بهشت گمشده ۳۵
۶. دنیای مربوط به جورج ۴۳
۷. خارج شدن از شهر ۴۸
۸. ماجرای مسخره‌ی کاپیتان بی‌شلواری ۵۱
۹. بدون هم‌سترم هرگز (... و همین‌طور پروداکتیلم) ۵۹
۱۰. طلسم وحشتناک ۶۱
۱۱. عملیات نجات بیسکویت نمکی ۶۵
۱۲. دارامب! ۷۰
۱۳. ساکنین سرزمین توالت بنفش متحد می‌شوند! ۷۴
۱۴. فصلی که یک سری اتفاق در آن خواهد افتاد ۷۷
۱۵. شام عالی ۸۰
۱۶. ماجراهای مرد عصایی و مادر بزرگ واکردار ۸۵
۱۷. در همین حال در خانه‌ی درختی ۵۹



۱۸. شترق! ۱۰۳
۱۹. هنگام حمله‌ی هم‌ستر چه باید کرد؟ ۱۰۷
۲۰. تصاویر خیلی خشن، قسمت اول (ورق زدن جادویی) ۱۱۱
۲۱. فصل سقوط قهرمان‌های قلابی ۱۲۲
۲۲. گرومب! ۱۲۷
۲۳. دو دقیقه بعد ۱۳۱
۲۴. هیچ‌کس حق نداره نوه‌های ما رو اذیت کنه! ۱۳۴
۲۵. تصاویر خیلی خشن، قسمت دوم (ورق زدن جادویی) ۱۴۱
۲۶. مسخره‌های کوچولو ۱۵۴
۲۷. تصاویر خیلی خشن، قسمت سوم (ورق زدن جادویی) ۱۵۸
۲۸. جمع‌بندی همه‌چی ۱۶۲
۲۹. داستان را خلاصه می‌کنیم! ۱۶۵
۳۰. داستان را خلاصه‌تر می‌کنیم! ۱۶۶
۳۱. فصلی که در آن اتفاق بدی نمی‌افتد ۱۶۷
۳۲. چیزی که می‌تواند بدتر از گذراندن بقیه‌ی عمر در زندان باشد ۱۷۰

داستان ناگفته‌ای از کاپیتان زیرشلواری که گاهی هم گفته شده

نوشته‌ی جورج بیرد و هارولد هاجینز

اما آن‌ها مدیر مدرسه‌ی
بدجنسی به نام آقای
کراپ داشتند که خیلی
بدجنس بود.

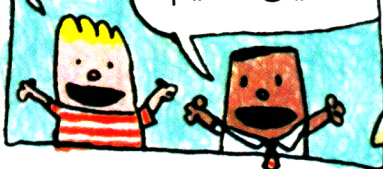
من خیلی بد اخلاق و
این‌هام!



روزی روزگاری، دو
پسر بچه‌ی باحال به نام‌های
جورج و هارولد زندگی
می‌کردند.

آره!

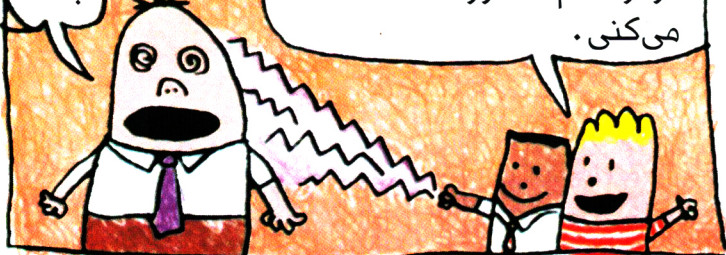
ما خیلی خفنیم!



بنابراین جورج و هارولد با استفاده از یک انگشتر
جادویی، او را طلسم کردند.

باشه.

تو از تمام دستورات ما اطاعت
می‌کنی.



قسمت بعدی، برای
یادآوری اتفاقاتیه
که تا حالا پیش
اومده ...

سلام به همگی.
همون‌طور که
می‌بینید، ما یه مشکل
فنی داریم.

